

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم
بدین بوم وېر زنده يک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

ادبی - فرهنگی

فرستنده: ش. حمید

یازدهم مارچ ۲۰۱۴

شعر از "پاغر"

به لاله،

که قوغ دلش

خونین تر

از شعر من است!!!

شعرهای مقاومت

از دفتر "دستی در آتش"

(بیست و شش)

ظفرسواران

تا کهکشان نمایان فریادِ دردِ یاران
در شهرِ عیش و عشرتِ زنگِ طرب به خون است
تا دیده درنوردید داغِ جگر خراشی
کین رستخیزِ خونین انجمِ فشانِ درد است
بر قبه طربخیزِ آوای عشق مرده ست
هر جا شرنگِ موج بر جرعه های هستی
گرگانِ تیز دندانِ خود خطبه خوانِ خود بین
گشتند، بسته بردند، بر شهر من چها رفت
از ابر بی طراوت پیکان و تیر بارد
بر شط غم شناور آه ظفرسواران
دستِ تَکَدّی ای وای افکنده نامداران
دل از تپش سر آمد، بنشست کنجِ حیران
هر گوشه بر افتاده یک تا به صد هزاران
بر برج و باروی او جغد و خفاش طیران
در خوانِ خون شناور قُربانیانِ دوران
هر گوشه قد کشیده ست اورنگِ تاجداران
بر سر درش نوشتند: این مجمعِ اسیران
شیون شراره بار است در قطره های باران

از آه سرخ هرجا، آواز لاله خیز است گوئی طلوع گل رفت اندر دل بهاران
یاد شکوه دی را خونرشته ام نوردید اشک قلم بر آمد بر بیشه زار هجران
گر بر شفق بر آیند نیم بسملان پر پر کارند نگین بوسه بر دشنه دلیران
خورشید فتح نورین آن گه که سر بر آرد گردنفر از کردند، سرهای سربداران
با شرطه باد پیروز صبح ظفر چو خیزد
در رقص گفته هایم تابد هزار شکران

(سرطان ۱۳۷۱)